

نواندیشی دینی یا روشنفکری دینی؟

در همایش ملی نواندیشی دینی، نوآوری دینی، بایسته ها و راهکارهای آن و تفاوت آن با روشنفکری دینی مورد بررسی قرار گرفت.



در همایش ملی نواندیشی دینی، نوآوری دینی، بایسته ها و راهکارهای آن و تفاوت آن با روشنفکری دینی مورد بررسی قرار گرفت. به گزارش خبرنگار خبرگزاری رسا - انقلاب اسلامی در اساس، حاصل اجتهاد و تلاش فکری عالمان دینی است که توانست با نظریه پردازی شخصیتی چون حضرت امام(ره) و بسط آن، شاکله نظام‌های اجتماعی آن و چگونگی ارتباط دولت، ملت و حقوق اساسی آنان را مشخص و مدون کند و فقه مهجور را به عرصه جامعه بکشانند.

انقلاب اسلامی ایران در مسیر حرکت خود به سوی قله های رشد و بالندگی، نیازمند حرکت‌های نرم‌افزاری و نواندیشی‌های گسترده‌تری است تا بتواند این حرکت بنیادین را به سوی تمدن‌سازی رهنمون سازد.

امام خمینی(ره) با عرضه دین کامل و تاکید بر جنبه های سیاسی دین و اعتقاد بر این که فقه، فلسفه عملی حکومت است، زمینه‌های بی‌نظیری را برای نظریه‌پردازی‌های دینی فراهم آورد و افق‌های جدیدی را فرا روی اندیشمندان در حوزه‌های مختلف قرار داد.

نواندیشی دینی آن است که پرسش‌های جدید و اساسی را که دنیای معاصر برای انسان به وجود آورده است به منابع دینی ارجاع داده و پاسخ آن‌ها را از این منابع استخراج کرد.

البته نوآوری با بدعت متفاوت است و در دین اسلام بدعت ممنوع، ولی ابداع که به نوآوری ترجمه می‌شود، ممدوح است. پس باید مراقب بود که سؤال‌ها به دین عرضه شود نه اینکه جواب‌های دیگر از زبان دین بیان گردد.

نوآوری در اندیشه‌ی اسلامی دارای اصولی است که بر اساس آن شکل می‌گیرد و واجد شاخصه‌هایی است که به کمک آن هدایت می‌پذیرد و در بردارنده‌ی ضوابطی است که ملزم به اجرای آن می‌باشد.

با توجه به اهمیت موضوع نوآوری دینی و راه های رسیدن به يك نوآوری صحیح و معتبر و پرهیز از التقاط فکری، همایش ملی نواندیشی دینی با همکاری دفتر تبلیغات اسلامی و نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، طی دو روز در قالب نشست عمومی، میزگرد اجتهاد و نوآوری و دو بخش علمی در سالن همایش‌های دفتر تبلیغات اسلامی قم با حضور اندیشمندان حوزوی و دانشگاهی برگزار شد.

حجت الاسلام والمسلمین احمد مبلغی، رییس پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی دراین همایش گفت: امروز در شرایط حساسی قرار گرفته ایم و فرقه های وهابیت و بهائیت در حال تلاش های گسترده هستند.

وی با اشاره به اینکه وجود نگاه های نارسا و ناکافی و دچار اضطراب فکری در دنیای اسلام از دیگر مشکلات دوران ما است، گفت: فقه گریزان دین سوز که خواهان اسلام منهای فقه هستند، از مشکلات جهان اسلام هستند، که وظیفه ما در این میان پناه بردن به فقه واقعیت گرا است.

این استاد حوزه علمیه قم بیان داشت: برخی در حوزه های علمیه دارای تسلط کافی بر مباحث فقهی هستند اما حاضر نیستند که به ماهیت اجتهاد بپردازند، بلکه فقه را در يك چارچوب انتزاعی و غیر معطوف به نیازها و غیرمرتبط با واقعیت ها می بینند.

وی با اشاره به اینکه انقلاب اسلامی تلاش کرد خط بطلانی بر نگاه فقه غیر واقعیت گرا بکشد و امام خمینی(ره) راهی را آغاز کرد که ما در ابتدای آن هستیم، اظهار داشت: امام خمینی(ره) در موضوع فقه و واقعیت، معادله پرداختن به واقعیت ها در چارچوب موضوع و پرداختن به حکم در حیطه منابع شرعی را مطرح کردند.

این استاد حوزه علمیه قم، گفت: فقه نمی تواند فراتر از موضوع برود چون موضوع در دست شارع نیست و از سویی دیگر فقیه نمی تواند فراتر از منابع شرعی برود چون منجر به بدعت می شود.

وی با اشاره به اینکه نواندیشی دینی به معنای نفی اجتهاد نیست بلکه توجه به اجتهاد و پرداختن به مبانی معرفتی فقه است، گفت: ظرفی که اجتهاد در آن واقع می شود، يك ظرف در حال نو شدن است و فقیه باید به زمان و مکان توجه داشته باشد.

برنامه بعدی همایش نواندیشی دینی، برگزاری میزگرد علمی اجتهاد و نواندیشی دینی با حضور حجج اسلام والمسلمین علیدوست، اراکی و قاضی زاده از اساتید حوزه علمیه بود.

حجت الاسلام والمسلمین محسن اراکی، گفت: تدوین چارچوب های نواندیشی دینی برای جلوگیری از روشنفکری دینی ضروری است.

وی با اشاره به اینکه نوآوری دینی در روش ها، پرسش ها، پاسخ به پرسش ها و ادبیات و واژگان، قابل بحث و بررسی است، ادامه داد: نوآوری در صورت های استدلال، به علم منطق مربوط است اما نوآوری در فقه، در قواعد استدلال فقهی است که در علم اصول بحث و بررسی می شود.

وی بیان داشت: دانشمندان اسلامی در تدوین علم اصول تلاش زیادی کرده اند اما علم اصول شیعه دارای بازدهی و مباحث غنی تری است و دستاوردهای بیشتری داشته است.

حجت الاسلام و المسلمین با تاکید بر مدخلیت گونه های طرح پرسش، بیان داشت: اگر سوالات به صورت کامل و جامع طرح شود و پرسش های اساسی و اصلی مشخص شود، شاهد تحول در پاسخ خواهیم بود.

وی با بیان اینکه غافل ماندن از پرسش های اصلی و پرداختن به سوالات جزئی، پژوهش دینی را با مشکل مواجه نموده است، ادامه داد: باید بین سوالات اولویت سنجی شود و پرسش های با درجه اهمیت بالاتر در اولویت پژوهش دینی قرار گیرد.

حجت الاسلام و المسلمین ابوالقاسم علیدوست، دیگر سخنران این میزگرد علمی بود که گفت: در بحث اجتهاد و نواندیشی باید مناسبت های این دو معرفی شود و بار معنایی این دو روشن گردد.

وی با بیان اینکه اجتهاد در فقهت منحصر نیست و در واقع اصول فقه، اصول فهم است، گفت: نام اصول فقه بر اصولی که به فهم عمیق در سایر علوم نیز کمک می کند، ستمی بزرگ است.

این محقق حوزه علمیه قم، اذعان داشت: حقیقت این است که دانش فقه به مرز کفایت نرسیده است و از نظر طرح مساله، ابزار استنباط و منابع با وجود تلاش های فراوان فقیهان گذشته، کار ناتمام مانده است.

وی اظهار داشت: اگر عدم کفایت فقه را قبول کردیم باید بر سر این مساله بحث کنیم که چگونه می توان فقه را متحول کرد که در این باره سه نظریه اکتفا به منابع سنتی و کهن، اجتهاد در اجتهاد و اندیشه اعتدال وجود دارد.

وی بیان داشت: نظریه اجتهاد در اجتهاد قائل است که با اکتفا به منابع سنتی نمی توان فقه را متحول کرد بلکه باید از اساس در منابع تجدیدنظر کنیم و منابع را توسعه دهیم.

وی با بیان اینکه عرف در این نظریه بسیار اهمیت دارد، گفت: برخی از اهل تسنن به چهل و دو منبع در حوزه استنباط، قائل شده اند. این محقق حوزه علمیه قم، خاطرنشان کرد: در نظریه اجتهاد در اجتهاد، مقاصد شریعت مورد توجه جدی قرار گرفته و در نظام استنباط، حاکم بر نصوص است که می توان به حکومت آزادی، عدالت، رفع ستم بر گزاره های شرعی اشاره کرد.

حجت الاسلام و المسلمین علیدوست با اشاره به نادرست بودن نظریه اجتهاد دراجتهاد، گفت: اندیشه اعتدال قائل است که باید در منابع فقه رویکردی جدید داشته باشیم و منابع فقهی را به استنباط دربیآوریم.

وی با اشاره به اینکه لازم است تا اصول فقه را توسعه داده شود و مسائل نوینی مورد توجه قرار گیرد، گفت: اصول فقه موجود، وظیفه فهمنده را مشخص می کند اما وظایف بیان کنندگان شریعت را بیان نکرده است.

این نظریه پرداز دینی گفت: در پرتو نظریه اعتدال باید دانش های پیرامونی فقه را افزون کرد و فلسفه فقه، گستره شریعت، نظام مند بودن دین، مطالعات اتمیک یا سیستمیک مورد بررسی دقیق قرار گیرد.

در ادامه حجت الاسلام و المسلمین قاضی زاده، بیان داشت: باید به دنبال راه حل هایی باشیم که موضوعات جدید را به سرانجام برساند و اجتهاد پویا تنها راه فرا روی ما است.

وی با اشاره به اینکه اجتهاد پویا از افراط و تفریط دور است، گفت: جمود گرایی بر نصوص و روش های قدما و از سویی دیگر نادیده گرفتن ضوابط استنباط فقهی دراجتهاد پویا راه ندارد.

این استاد حوزه علمیه قم بیان داشت: توجه به گفتمان شریعت در استنباط و پرهیز از جمودگرایی در استنباط، در روش فقهی امام خمینی(ره) به خوبی هویدا است.

وی با اشاره به اینکه طبق فتوای فقهی، معدن به صاحب زمین تعلق دارد، گفت: امام خمینی(ره) بعد از انقلاب با این استدلال که معادن ملی است و متعلق به نسل های حال و آینده است، معادن را از مالکیت شخصی منفک اعلام می نمایند.

وی ادامه داد: فتوای امام خمینی(ره) بر طبق جمع نگری وی در بحث های فقهی و مجموعه شریعت است و این فتوا از نظر استدلال و نتیجه بی سابقه است.

حجت الاسلام قاضی زاده با اشاره به اینکه باید از شهرت های فتوایی عبور کرد، اذعان داشت: احکام نجاست چاه و نجاست کفار از مواردی است که فقه پس از يك دوره طولانی در آن تجدید نظر کرده اند و شهرت را کنار زده اند.

وی بیان داشت: باید عقل گرایی در مقابل نص گرایی افراطی موردتوجه قرار گیرد و نصوص شرعی با دقت افزون تری ملاحظه شود.

این استاد حوزه علمیه قم بیان داشت: بحث اجتهاد و تمدن جدید از بحث های است که مورد توجه امام خمینی(ره) قرار گرفته است اما کمتر مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

وی خاطرنشان کرد: نواندیشی دینی اقتضا می کند در احکامی همچون مسابقات و عقود جدید، به شرایط جدید اجتماعی توجه کنیم.

همایش علمی نواندیشی دینی در روز دوم با برگزاری بخش های تخصصی همراه بود.

حکمت خودی و چالش رابطه عقل و دین، عنوان مقاله ای از حجت الاسلام عبد الحسین خسروپناه بود که بیان داشت: سه مفهوم خودی، نواندیشی دینی و علوم انسانی باید به خوبی تعریف شود.

وی بیان داشت: منظور از خودی احکامی است که از احکام انضمامی انسان بحث می کند و تعریف رایج از فلسفه که از عوارض موجود به ما هو موجود بحث می کند تعریف ناقص و مبتنی بر پیش فرض تقسیم علوم در زمان قدیم است.

این استاد فلسفه و کلام بیان داشت: اگر حکمت به معنای احکام انضمامی باشد تمامی فلسفه های مضاف به امور همچون مسائل نفس، حیات، حق، هستی و معرفت در آن می گنجد.

حجت الاسلام خسروپناه بیان داشت: نواندیشیدنی مطلوب ما در مقابل نواندیشی الحادی، دینی و جریان سنتی است.

وی با اشاره به اینکه نواندیشی دینی جریانی است که دغدغه دین دارد، گفت: جریان سنتی تنها بر حفظ میراث گذشته تاکید دارد.

این استاد حوزه و دانشگاه با اشاره به اینکه نواندیشی دینی بر خلاق روشنفکری دینی می خواهد بین سنت دینی و امور جدید يك جمع بندی غیر التقاطی داشته باشد، گفت: روشنفکری دینی در جمع بین دین و دنیای جدید، دین را به نفع دنیای جدید تفسیر می

کند و از همین رو دچار التقاط و تفسیر برای می گردد.

وی خاطرنشان کرد: مشکل روشنفکری جهان عرب این است که دغدغه سنت دارد اما می خواهد میراث گذشته را با رویکرد گفتمانی، هرمنوتیکی و التقاطی تفسیر کند و دنیای جدید را بر دین حاکم کند که این تجدد را به وجود می آورد.

وی گفت: انسان با پیش فرض ها می فهمد اما اینکه پیش فرض ها مطلبی را به دین تحمیل کند و عقلانیت جدید دینی را دراندازد، التقاط است.

حجت الاسلام خسروپناه، گفت: علوم انسانی علوم اجتماعی رفتاری تجربی است که می خواهیم راه دینی کردن آن را درک کنیم.

وی گفت: علوم انسانی موجود مبتنی بر چند عقبه نظام فلسفی، انسان شناختی، نظام ارزش شناختی و روش شناختی است.

این استاد حوزه علمیه قم، گفت: این که علوم غربی سکولار است به معنای سکولار بودن این عقبه ها است یعنی انسان بایسته، شایسته و ترسیم شده علوم غربی، سکولار است.

وی ادامه داد: نواندیشی دینی در عرصه علوم انسانی به ترسیم نظام فلسفی، انسان شناختی، نظام ارزش شناختی و روش شناختی در حکمت خودی است.

این محقق حوزه علمیه قم گفت: آفت نواندیشی دینی پیش رفتن به سوی روشفکری دینی اعم از غربی و عربی است و لذا هایدیگر، هگل، پوپر، محمد عابد الجابری، سید قطب، شیخ محمد عبده، محمد ارکون در مقاطعی، بت های اندیشه شده اند.

این استاد حوزه علمیه قم در پایان گفت: امروز زمان آن رسیده است که نواندیشی دینی ایجابی تاسیس شود.

حجت الاسلام حسین دیبا با مقاله نواندیشی دینی و چالش رابطه عقل و دین، دیگر سخنران این بخش تخصصی بود که گفت: در نواندیشی دینی باید دو واژه نواندیشی و دین و رابطه این دو مشخص گردد.

وی ادامه داد: نواندیشی دینی به هدف ایجاد وضعیتی نو برای رفع مشکلات فراوی اندیشه است که اندیشه شامل ادراکات تجربی و عقلی می شود.

این محقق حوزه علمیه قم، گفت: نواندیشی ایده ای برای ارتباط عقل و دین است و چگونگی بهره مندی از دین توسط عقل باید در بحث نواندیشی مورد توجه قرار گیرد.

وی ادامه داد: نواندیشی در کنار گذاردن تحجرگرایی و پذیرفتن این نکته است که برخی مفاهیم دین هنوز به فعلیت نرسیده است.

این پژوهشگر علوم اسلامی با اشاره به اینکه خرد خود بنیاد دینی در نواندیشی دینی کنار نهاده شده است، ادامه داد: به عنوان اولین گام در نواندیشی دینی باید رابطه عقل و دین بررسی شود.

وی سپس به رابطه های بیان شده در ارتباط عقل و دین پرداخت و گفت: رویکرد اول بر اساس خرد خود بنیاد در غرب شکل گرفته است که از نظر ما هر آنچه از عقل بشری نشأت گرفته باشد و فارغ از وحی باشد، ناقص است و سیستمی غیر واقعیت گراست.

وی دومین را رویکرد را این گونه توضیح داد: برداشت از آموزه های دینی که در نظریه قبض و بسط نمودار شده است و معتقد است هر تغییر و تحول در زمینه بشری در معارف تاثیر می گذارد.

این محقق حوزه علمیه با اشاره به اینکه رویکرد سوم مورد توجه حوزویان قرار گرفته است، گفت: این نظریه قائل است معارف بشری نیاز به اصلاح دارد و با تکیه بر عقل متکی بر مبانی بدیهی، باید معارف را جهت دهیم.

وی چهارمین نظریه را رویکرد آیت الله جوادی آملی برشمرد و گفت: این نظر حقیقت را نفس الامر و راه رسیدن به آن را آموزه های وحیانی و دریافت های عقلانی می داند، البته ظن متاخم به علم هم در حیطه علم قرار می گیرد.

وی ادامه داد: بر اساس نظر چهارم، میان سنت و عقل تفاوتی وجود ندارد و یافته های عقلانی در کنار آموزه های وحیانی، انسان را هدایت و رهبری می کنند.

حجت الاسلام دیبا با اشاره به اینکه، این چهار نظریه نتایج متفاوتی را به همراه دارد و باید يك نظریه را مبنا بگیریم گفت: نواندیشی دین بحثی در خلا نیست و باید مشکلی از مشکلات نظام دینی را حل کند.

وی در پایان گفت: حقیقت این است که اندیشمندان این نظریات را مدلل و مستدل نکرده اند و هنوز این نظریات مجال طرح علمی نیافته است و در نتیجه در طرح مدل نواندیشی دچار مشکل هستیم.

حجت الاسلام ایزد پناه، دیگر سخنران این نشست علمی بود که بحث خود را با عنوان نواندیشی دینی و تعامل معرفتی این گونه آغاز کرد: ما توافق داریم که میان معرفت دینی و بشری روابطی وجود دارد که شش نظریه تقابل، تاویل و ارجاع ناروا، التقاط و رابطه گزینشی، رابطه توازی یا ارتباط همسویانه، رابطه عینت و نسبت تساوی و در آخر رابطه تعملی یا هم کنشی وجود دارد.

وی با اشاره به اینکه نظریات گسست گرا در عرصه فلسفه بسیار مهم است، گفت: تفکیک میان دین و معرفت بشری در تفکر کانت، تفکیک زبانی و محتوایی در فلسفه

وینگشتاین، تفکیک در سیستم سکولاریسم در تفکر مدرنیسم، نظریه مکتب تفکیکی در اندیشه اسلامی باید مورد توجه قرار گرفته و به درستی تبیین گردد.

وی بیان داشت: به نظر می رسد نظریه تعامل میان معرفت بشری و معرفت دینی یا هم کنشی متقابل صحیح باشد و باقی نظریات به دلیل تعارض داخلی قابل رد است.

این محقق حوزه علمیه قم، با اشاره به محور دوم مقاله خود، اظهار داشت: در تفکر اسلامی و غربی شاهد تحولات در گذر زمان هستیم که در تاریخ تحول اندیشه غربی، تفکرانی همچون الهیات کاتولیک سنتی، الهیات ارتدوکسی، الهیات طبیعی، الهیات اخلاقی کانت، عصر الحاد و انحطاط و الهیات غیر قابل اعتبار و الهیات تجربی شلایر ماخر، الهیات سکولار غربی، الهیات انقلابی یا آزادی بخش که بعد از انقلاب اسلامی ایران در آمریکای لاتین مطرح شده است، اشاره کرد.

وی افزود: در تاریخ اندیشه اسلامی نیز تفکرات الهیات نقلی، الهیات کلامی، الهیات مشایی، الهیات اشراقی، الهیات صدرایی و الهیات تعاملی را می توان مشاهده کرد. این محقق علوم عقلی، با بیان اینکه الهیات تعاملی در نگرش امام خمینی، علامه طباطبایی، اقبال لاهوری و استاد مطهری دیده می شود، ادامه داد: تحولات رخ داده مدیون تعامل است. وی در پایان گفت: در تحقیق باید تعامل معرفتی در عرصه گردآوری و داوری جدی گرفته شود.

منبع: خبرگزاری رسا